

کرامت ذاتی انسان و مؤلفه‌های اساسی آن در قرآن؛ بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی

حمید آریان* | سید مجتبی فقیهی**

چکیده

این مقاله به تبیین مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان در قرآن، از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی - تطبیقی مبتنی بر آثار تفسیری و مکتوب این دو اندیشمند است. هدف تحقیق، شناسایی نقاط اشتراک، افتراق و تمایز دیدگاه دو مفسر یادشده در تعیین منشأ، معنی و مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان و ارزیابی نظر تفسیری آنها در این باره است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر دو مفسر، کرامت ذاتی را موهبتی الهی و همگانی برای نوع بشر اعم از مؤمن و کافر می‌دانند. نقطه افتراق اصلی آنها در تعیین مؤلفه‌هاست؛ علامه طباطبایی با استناد به ظواهر آیات، کرامت ذاتی را مجموعه داشته‌های بالقوه و بالفعل تکوینی جسمانی و روحانی انسان می‌داند؛ در مقابل، آیت‌الله جوادی آملی روح الهی بشر را منشأ انحصاری کرامت ذاتی انسان دانسته و جسم او را صرفاً ظرف تجلی آن می‌شمارد و قائل است که کرامت ذاتی حقیقتی ذومراتب است و مظاهر و تجلیات آن، شامل ابعاد جسمانی و روحانی است. دیدگاه علامه در تأکید بر دخیل بودن مؤلفه‌های جسمانی در کرامت ذاتی انسان با ظواهر آیات سازگارتر است و دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی به لحاظ تحلیلی عمق بیشتری را در این موضوع به نمایش می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها

کرامت انسان، کرامت ذاتی انسان، مؤلفه‌های کرامت ذاتی، علامه طباطبایی، عبدالله جوادی آملی، تفسیر آیه ۷۰ اسراء.

* دانشیار گروه تفسیر و علوم قرآن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. (aryan@iki.ac.ir)
** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
(mojtabafaghihi8@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۸)

مقدمه

از نظر قرآن کریم انسان در آفرینش جایگاه و منزلت ویژه‌ای نسبت به سایر موجودات دارد که در مباحث انسان‌شناسی دینی از آن با عنوان کرامت یا کرامت‌مندی انسان یاد می‌شود. توجه به این مسأله هم به عنوان موضوعی از معارف قرآنی فی نفسه در تفسیر و علوم اسلامی اهمیت دارد و هم به عنوان یکی از مبادی تصدیقی و مبانی انسان‌شناختی برای همه علوم انسانی مهم است.

اهمیت فی نفسه آن که روشن است؛ اما اهمیت این بحث برای علوم انسانی از آنجا ناشی می‌شود که برخی مکاتب غربی بر «کرامت ذاتی» انسان به عنوان، سنگ بنای بسیاری از مباحث بنیادین در حوزه حقوق، اخلاق و تعلیم و تربیت و علوم دیگر به شکل خاصی تأکید داشته و نتایج و آثار غریبی را در موضوعاتی چون حق حیات، حق آزادی و حق برابری در استفاده از فرصت‌ها و امکانات، شخصی‌سازی حوزه اخلاق و نیز در نظامات اجتماعی به ویژه تعلیم و تربیت و سیاست بر آن بار کرده‌اند. از سوی دیگر در قرآن و منابع اسلامی هم از کرامت انسان سخن به میان آمده و آثار متعددی بر آن در امور فردی و اجتماعی بار شده است. اکنون فارغ از نگاه مکاتب دیگر، در یک گفتمان درون دینی می‌خواهیم بدانیم که اگر انسان دارای ارجمندی تکوینی و ذاتی است و جایگاه ویژه‌ای در نظام هستی دارد، این مطلب اصلاً به چه معنایی است؟ و با روشن شدن مفهوم و معنای آن، مؤلفه‌های اصلی این کرامت چه اموری است؟ تا بتوان در مرحله بعد، از تاثیر مبنایی این مسأله بر دانش‌هایی چون حقوق، اخلاق و تعلیم و تربیت، سیاست و سایر علوم انسانی و نظامات اجتماعی برآمده از آنها سخن گفت. روشن است که بررسی آثار و لوازم این مبنای انسان‌شناختی برگرفته از قرآن، در گزاره‌ها و نظریات علوم انسانی و نظامات مرتبط با آنها و پیامدهای آن، خود مسأله دیگری است که به دلیل ضیق مجال امکان پرداختن به آن نیست و در مقالی دیگری باید آن را رسیدگی نمود (نمونه را بنگرید: ناگهی و آریان، ۱۴۰۳) و تا موضوع اول یعنی چیستی کرامت ذاتی انسان در

قرآن و مؤلفه‌های اصلی آن به درستی کاویده و روشن نشود و دیدگاه اندیشمندان برجسته اسلامی در آن باره روشن نگردد، راه‌یابی به موضوع دوم دشوار و بررسی آن حاصلی ندارد و عقیم است.

بیان مسئله پژوهش و هدف آن

در باب کرامت ذاتی انسان از منظر قرآن دو سوال مهم و پایه‌ای قابل طرح است: اول اینکه اساساً مقصود از این کرامت چیست و به تبع آن نظر قرآن در باره اصل کرامت‌مندی انسان چیست؟ دوم اینکه بر فرض برخورداری انسان از چنین کرامتی نظر قرآن در باره مؤلفه‌های سازنده این کرامت چیست؟

در میان مفسران معاصر، علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی، به‌عنوان دو اندیشمند برجسته و مرجع فکری اسلامی، به موضوع کرامت ذاتی پرداخته‌اند. باین حال، تفاوت‌های ظریفی در تبیین و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها در آثار ایشان مشاهده می‌شود.

پژوهش حاضر با هدف آشکارساختن وجوه اشتراک و وجوه اختلاف و تمایز دیدگاه مفسران یادشده، قصد دارد به درکی عمیق‌تر از ابعاد کرامت ذاتی انسان در قرآن دست یابد و در صورت امکان با داوری بین نظریه آن دو مفسر این گونه مباحث پایه‌ای را گامی به جلوتر برد.

مرور و ارزیابی پیشینه

درباره پیشینه تحقیق، اثر خاصی که این موضوع را به‌صورت تطبیقی بررسی کرده باشد، یافت نشد؛ اما منابع زیر به جنبه‌هایی از مسئله از دیدگاه یکی از این دو اندیشمند پرداخته‌اند:

۱. مقاله «مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان در اندیشه علامه طباطبائی» (اسماعیلی و سیفی، ۱۳۹۷ش): این مقاله مؤلفه‌های کرامت ذاتی را با تکیه بر دیدگاه فلسفی علامه بیان کرده و به دیدگاه تفسیری وی مختصر ورودی نموده است و در مقام مقایسه دیدگاه علامه با دیگر اندیشمندان برنیامده است.
۲. مقاله «کرامت ذاتی انسان به‌مثابه بنیان آزادی، باتکیه بر آرای علامه طباطبائی» (نصرت پناه و سیفی، ۱۳۹۸): نویسندگان قبل از ورود به بحث آزادی، برخی مؤلفه‌های کرامت ذاتی از نگاه علامه را

ذکر می‌کنند؛ اما مقاله در پی نگاهی تطبیقی بین نظر علامه با سایر اندیشمندان ندارد.

۳. مقاله «مبانی کرامت ذاتی انسان از منظر علامه طباطبایی» (قنبری، ۱۳۹۶): این مقاله صرفاً به بیان دیدگاه علامه طباطبایی در ذیل آیات پرداخته و ورودی به تطبیق دیدگاه ایشان با دیگر اندیشمندان ندارد.

۴. مقاله «بررسی تطبیقی کرامت نفس از دیدگاه آیت‌الله جوادی و ناتانیل براندن» (احمدی، ۱۳۹۵): مؤلف آرای آیت‌الله جوادی را درباره کرامت نفس آدمی بیان می‌کند؛ اما تطبیق نظر ایشان با یکی از اندیشوران غربی به نام ناتانیل براندن، انجام شده و شامل دیدگاه علامه طباطبایی نیست.

۵. مقاله «کرامت ذاتی انسان در قرآن؛ مؤلفه‌ها و لوازم وجودی» (مشایخی و آریان، ۱۳۹۸ش): در این مقاله دلالت آیات قرآن بر وجود کرامت ذاتی و مؤلفه‌های اساسی آن از نظر مولفان بحث شده است اما به دیدگاه‌های مختلف مفسران در بیان مؤلفه‌های کرامت ذاتی پرداخته است

۶. مقاله «کرامت اقتضایی انسان در بوته نقد» (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴): این مقاله به بررسی و نقد ادله اندیشمندان در پاسخ به این سؤال که آیا کرامت انسان امری استعدادی است یا بالفعل ذاتی، پرداخته است و ورودی به مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های مفسران در زمینه کرامت ذاتی و مؤلفه‌های آن از نظر قرآن ندارد.

بایستگی این پژوهش و روش آن

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از آثار موجود به بررسی تطبیقی دیدگاه دو مفسر بزرگ معاصر یعنی علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی اختصاص ندارد. به نظر ما انجام این تحقیق از چند جهت بایسته است و جای چنین پژوهشی خالی است؛ زیرا اولاً مقایسه دیدگاه‌های دو قله تفسیری معاصر شیعی، ضمن این که به شناخت بهتر روش تفسیری ایشان منجر می‌شود، ابعاد جدید این موضوع را از نظر قرآن نیز روشن می‌سازد؛ ثانیاً فهم دقیق مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان از

نگاه قرآن، مستقیماً بر نظامات حقوقی و اخلاقی و تعلیم و تربیت تأثیر گذاشته و به استحکام مبانی نظری حقوق بشر اسلامی، مناسبات اخلاقی جامعه بر اساس دیدگاه اسلامی و آموزش و پرورش اسلامی کمک می‌کند؛ ثالثاً زمینه را برای ارائه یک نظریه جامع‌تر در موضوع کرامت ذاتی و آثار آن از منظر درون‌دینی فراهم می‌کند.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی - تطبیقی در ابتدا به بررسی مفهوم واژگان کلیدی مساله می‌پردازد. سپس، دیدگاه‌های علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی را درباره دلالت آیات قرآن بر کرامت ذاتی و مؤلفه‌های آن، با مراجعه به تفاسیر و آثار مکتوب علمی ایشان استخراج و توصیف می‌کند. در مرحله بعد، پس از تحلیل وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه این دو اندیشمند؛ به سنجش آنها را به روش تطبیقی اقدام کرده و در انتها، به ارزیابی و داوری میان آنها می‌پردازد.

مفاهیم

در بحث مفهوم‌شناسی به نظر می‌رسد چهار مفهوم «کرامت»، «ذاتی»، «کرامت ذاتی» و «مؤلفه» نیاز به بیان و توضیح دارند.

۱. کرامت

واژه کرامت مأخوذ از ماده «کرم» است. اصل این ماده دال بر «شرافت و ارجمندی» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج. ۵، ص. ۱۶۷) و این معنا در مقابل لئامت به معنای پستی و بی ارزشی قرار می‌گیرد. (زبیدی، ۱۴۱۱ق، ج. ۱۷، ص. ۶۰۶) بنابراین کرامت در نقطه مقابل لئامت به معنای شرافت و بزرگی و عزت است. بعضی نیز قائل اند که ماده «کرم» دلالت بر شرف فی نفسه در شیء دارد و در آن استعلا نسبت به مادون لحاظ نمی‌گردد به خلاف عزت (مصطفوی ۱۳۶۰، ماده کرم)؛ یعنی معنایی نفسی است نه نسبی. اما باید توجه داشت که این معنا نسبت به خداوند به دلیل غنای ذاتی و واجب الوجود بودن معنایی نفسی و مطلق دارد؛ اما نسبت به انسان در نسبت با سایر مخلوقات جنبه نسبی پیدا می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج. ۱۳، ص. ۱۵۶).

اما در اصطلاح قدمای فلاسفه و نیز علمای علم کلام کرامت به معنای ظهور امر خارق عادت است که با ادعای نبوت مقرون نباشد در اصطلاح فلاسفه متأخر کرامت یعنی اتصاف به فضایی که انسان را نزد خودش و دیگران شایسته احترام می‌گرداند (صلیبیا، ۱۴۱۴ق، ج. ۲، ص. ۲۲۷، مدخل الکرامه). برخی دیگر از فلاسفه کرامت را ارزش انسان از جهت بهره‌مندی وی از قوه عقل یا نطق یا تفکر دانسته‌اند (صلیبیا، همان) در مباحث انسان‌شناسی کرامت اصطلاح خاصی ندارد و از آن تقریباً همان معنای لغوی‌اش اراده می‌شود؛ اما دو گونه است گاه منظور از کرامت شرافت تکوینی انسان است که به واسطه آن از دیگر موجودات و مخلوقات به لحاظ وجودی ممتاز می‌گردد و گاه منظور از آن ارزش و شرافت اخلاقی آدمی است که شخصیت انسانی او را بازتاب می‌دهد (مصباح یزدی ۱۳۷۸، ص. ۳۷۴). از میان معانی یادشده کاربرد اول کرامت در انسان‌شناسی در این مقاله مقصود است نه معنای فلسفی یا کلامی آن.

با توجه به مفهوم کرامت مقصود از کرامت‌مندی انسان بر خورداری او از شرافت و درجه‌ای است که به واسطه آن از دیگر موجودات و مخلوقات به لحاظ وجودی و تکوینی یا از حیث درجات اخلاقی ممتاز می‌گردد.

۲. ذاتی

واژه ذاتی در پیوند و ترکیب با کرامت، قیدی تحدیدی است که دایره معنای کرامت را مشخص می‌سازد و آن را از کرامت‌های عارضی یا اکتسابی جدا می‌کند. ذاتی در اینجا ناظر به امری است که از سنخ مقومات وجودی انسان بوده و انفکاک آن از انسان مستلزم زوال حقیقت انسانی اوست؛ به این معنی که این شرافت، به صرف انسان بودن و در متن خلقت و سرشت او برایش ثابت است، نه در نتیجه ایمان، تقوا یا رفتار اخلاقی.

۳. کرامت ذاتی

بر اساس آنچه در معنای کرامت و ذاتی گفتیم، کرامت ذاتی کرامتی است که از جانب خداوند در

اصل خلقت و سرشت انسان به ودیعه نهاده شده و جزء جدایی‌ناپذیر ماهیت انسانی اوست. این شرافت، موهبتی الهی است که به‌صرف انسان بودن، فارغ از هرگونه ویژگی اکتسابی، به او تعلق می‌گیرد. در نقطه مقابل آن، کرامت اکتسابی قرار دارد که به معنای شرافت و ارزش اخلاقی ناشی از داشتن صفتی با انتخاب و انجام افعال اختیاری است.

در قرآن از هر دو نوع کرامت درباره انسان سخن به میان آمده است یکی ناظر به شرافت تکوینی انسان که می‌توان از آن به کرامت ذاتی تعبیر نمود و دیگری ناشی از فعل اختیاری آدمی که می‌توان از آن به کرامت اکتسابی یا کرامت اخلاقی یادکرد.

۴. مؤلفه

منظور از مؤلفه «عنصر یا جزء تشکیل‌دهنده یک چیز است که بدون داشتن آنها نمی‌توانیم آن را تجزیه تحلیل کنیم» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج. ۱، ص. ۱۴۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۵).

طبعاً گونه دوم کرامت که اکتسابی است از موضوع بحث ما خارج است و فقط کرامت ذاتی انسان که ناظر به شرافت وجودی و تکوینی اوست، محل بحث است. با توجه به مفهوم‌شناسی واژگان مهم اکنون به بررسی کرامت تکوینی اعطا شده از سوی خدا به انسان و عناصر تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه قرآن، به شکل تطبیقی در محدوده دیدگاه تفسیری دو اندیشمند و مفسر بزرگ معاصر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی در پنج محور می‌پردازیم.

۱. اصل کرامت‌مندی ذاتی انسان در قرآن از دیدگاه دو مفسر

در این محور دو پرسش اساسی قابل طرح است: اول اینکه آیا از نظر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی آیات قرآن بر کرامت ذاتی و خدادادی نوع انسان دلالت دارند؟ دوم اینکه دایره این کرامت همه انسان‌ها، اعم از مؤمن و کافر را در بر می‌گیرد یا به گروه خاصی اختصاص دارد؟ در پاسخ به این دو پرسش، ابتدا دیدگاه آن دو مفسر برجسته قرآن، را گزارش کرده و سپس آن‌ها را

به صورت تطبیقی بررسی می‌کنیم. همین روال را در محورهای دیگر مقاله نیز نسبت به بقیه اجزای مسئله پژوهش طی خواهیم کرد.

نظر علامه طباطبایی

ظاهراً مهم‌ترین آیه‌ای که بر اصل بر خورداری انسان از کرامت ذاتی دلالت دارد آیه ۷۰ سوره اسراء است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰).

در این آیه خداوند متعال از کرامتی یاد می‌کند که خود به انسان عطا کرده است و سپس مظاهر این کرامت را بیان می‌کند، اینکه آنها را با وسایل مختلف در خشکی و دریا به حرکت درمی‌آوریم و جابه‌جا می‌کنیم دیگر اینکه از خوراکی‌های پاک به آنها روزی می‌دهیم و در نهایت آنها را بر بسیاری از مخلوقات برتری داده‌ایم (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۳، ص. ۱۵۵-۱۵۷)؛ بنابراین کرامت، اعطایی از سوی خداست و منشأ الهی دارد و از فعل اختیاری انسان به دست نیامده است پس این کرامت از نوع کرامت ذاتی است.

ایشان سیاق این آیه را سیاق امتنان (منت‌نهادن) خدا به انسان می‌داند، آن هم متنی آمیخته با عتاب؛ زیرا گویا خدای متعال پس از ذکر نعمت‌های فراوانی که به انسان در خشکی و دریا و اوضاع مختلف زندگی ارزانی داشته، اما باین حال انسان خدا را از یاد برده و با کفران این نعمت‌هایی که در آن غوطه‌ور است از یاد و خواندن او اعراض دارد، خدا می‌خواهد با جمله‌های «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» و «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ...» که دال بر تکریم آدمی و تفضیل نسبت به اکثر مخلوقات است، با امتنان بر انسان او را به این حقیقت توجه دهد که آگاه باشد با وجود اینکه نسبت به نعمت‌های فراوان الهی ناسپاسی می‌ورزد، باین حال خدا همچنان عنایت ویژه‌ای به او دارد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۳، ص. ۱۵۵).

نظر آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی این آیه را درباره حقیقت انسان و بیانگر معیار برتری او بر دیگر مخلوقات می‌داند، به این بیان که انسان موجودی کریم است و روح الهی به او کرامت ذاتی و برتری بخشیده است.

ایشان کرامت ذاتی را یک اصل قرآنی می‌داند که به گوهر و حقیقت انسان بازمی‌گردد و معیار برتری او بر سایر مخلوقات است. از دیدگاه ایشان، جمله «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰) ناظر به کرامت خود انسان و گران‌بها بودن گوهر وجود اوست. ایشان تأکید می‌کند که این کرامت ذاتی به معنای آن است که «خدا ذات او را نیکو آفریده»، نه اینکه کرامت از خود انسان بجوشد. پایه اصلی این کرامت، «اضافه تشریفی روح انسان به خدا» است که او را شایسته خلافت الهی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج. ۴۹، ص. ۴۹۵ و ۴۹۶).

ایشان نیز مانند علامه، از آیاتی نظیر اعتراف ابلیس به کرامت آدم (اسراء/۶۲) و خلقت انسان در «احسن تقویم» (تین/۴) برای اثبات این مدعا بهره می‌برند که نشان می‌دهد این کرامت، یک موهبت تکوینی و همگانی است که در ذات انسان تعبیه شده است (ر.ک: جوادی آملی، ج. ۴۹، ۱۳۹۸، ص. ۳۸۷-۳۹۰؛ جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج. ۸۰، ص. ۲۶۱)؛ بنابراین مطابق نظر آیت‌الله جوادی از آیات قرآن این‌گونه به دست می‌آید که انسان نسبت به سایر موجودات کرامت ذاتی یعنی برتری وجودی در تکوین دارد.

مقایسه دیدگاه‌ها

الف. وجوه اشتراک: هر دو مفسر بر دلالت صریح آیه ۷۰ سوره اسراء بر «کرامت ذاتی و تکوینی» انسان اتفاق نظر دارند و آن را یک عطیه الهی می‌دانند که به نوع انسان و همه فرزندان آدم اعطا شده است.

ب. وجوه افتراق و تمایز: با وجود اشتراک نظر دو مفسر در اصل الهی و همگانی بودن کرامت ذاتی، در تحلیل منشأ کرامت تفاوتی در دیدگاه آنها مشاهده می‌شود. علامه طباطبائی در تبیین

کرامت، با توجه به آیات و سیاق امتنان، آن را به عنوان موهبتی اعطایی می‌بیند که در بستر نظام تکوینی ظهور می‌کند. تأکید او بر مظاهر عینی، مانند حمل در بر و بحر، رزق طیب و تفضیل بر کثیری از مخلوقات، نشان می‌دهد که کرامت در نظر وی مرتبط با «ساختار وجودی بالفعل انسان در عالم طبیعت» است. این ساختار که شامل ابعاد جسمانی و روحانی انسان است، در قالب «احسن تقویم» تجلی یافته است. بنابراین، در تفکر علامه، کرامت از ترکیب ویژه وجودی انسان و نحوه آفرینش او نشأت می‌گیرد.

اما آیت‌الله جوادی آملی، تحلیل کرامت را از سطح دلالت ظاهری آیات فراتر برده و آن را به اصل و شأن هستی انسان در عالم مرتبط می‌سازد. در این نگاه، منشأ اصلی کرامت به «نفخه روح الهی» و شأن خلافت الهی انسان برمی‌گردد. در این تحلیل، بدن تنها ظرف و مظهر تجلی کرامت است و حقیقت این کرامت به عمق روحانی و ملکوتی انسان مربوط می‌شود که بر تمامی مراتب وجودی او سایه می‌اندازد.

بنابراین، اختلاف اصلی در این باره به اختلاف دو دیدگاه در نحوه نسبت‌سنجی میان کرامت انسان و ساختار وجودی او بر می‌گردد؛ رویکرد علامه در این باب تفسیری است و به کرامت مندی انسان در ساختار نظام عالم نظر دارد، در حالی که نگرش آیت‌الله جوادی تبیینی است و به جایگاه هستی‌شناختی انسان توجه می‌دهد.

۲. شمول کرامت ذاتی نسبت به همه انسان‌ها از دیدگاه دو مفسر

پس از اثبات اصل کرامت ذاتی انسان، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این کرامت شامل همه انسان‌ها می‌شود یا مخصوص مؤمنان است؟

نظر علامه طباطبایی

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۷۰ سوره اسراء می‌نویسد که این آیه در مقام امتنان، همراه با نوعی عتاب

و سرزنش نسبت به نافرمانی بشر از خداوند است که این ویژگی ایجاب می‌کند که مقصود از آیه شریفه اعم از موحدان، مشرکان و کافران باشد چه اگر مقصود تنها انسان‌های شایسته و مطیع بود معنای امتنان و عتاب درست نبود (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۳، ج. ۱۳، ص. ۱۵۵).

نظر آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی نیز به‌صراحت معتقدند کرامت ذاتی، همگانی و فراگیر است. ایشان تأکید می‌کنند که جمله «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» ناظر به حقیقت انسان است، نه گروهی خاص مانند انبیاء و اولیاء. از نظر ایشان، «گوهر کرامت نفسی در همه انسان‌ها تعبیه شده» و این عطیه الهی، سرمایه اولیه برای رسیدن به مقام خلافت است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج. ۴۹، ص. ۴۹۵ و ۵۰۲). ایشان این کرامت ذاتی را پایه و اساس کرامت اکتسابی می‌دانند که باایمان و عمل صالح شکوفا می‌شود.

برخی به آیت‌الله جوادی این ادعا را نسبت داده‌اند که ایشان معتقد است که کرامت ذاتی فقط مختص به مؤمنین است. یکی از شواهد اینها برای صحت این ادعا، تمسک به بیان ایشان در تفسیر آیات ۱۷۹ سوره اعراف «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» و آیه ۴۴ سوره فرقان «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» است و برای تأیید ادعای خود به این بیان آیت‌الله جوادی استناد می‌کنند: «کسی که به مقتضای خلیفه الهی عمل نمی‌کند، انسانیت وی مصداق حقیقی خود را از دست می‌دهد و در پی آن کرامت و شرافتی هم برای وی مطرح نیست؛ زیرا همه کرامت‌های انسان به پاس خلافت اوست» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲). گفته‌اند از نظر آیت‌الله جوادی بر طبق این گونه بیانات، انسان می‌تواند به مرحله‌ای برسد که از حیوان هم پست‌تر گردد و این به منزله از بین رفتن کرامت ذاتی انسان است (ر.ک: سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۵).

اما انتساب این نظر به آیت‌الله جوادی درست نیست؛ زیرا:

اولاً خود آیت‌الله جوادی آملی در بیانات مختلف این مسئله را رد کرده و اذعان می‌کنند که

کرامت ذاتی برای تمام انسان‌ها هست، از جمله در ذیل آیه ۷۰ سوره اسراء (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۴۹، ص. ۴۹۵ و ۵۰۲). ثانیاً اشتباه این افراد خلط میان کرامت ذاتی با کرامت اکتسابی بوده است، در کلام آیت‌الله جوادی آملی اشاره به کرامت اکتسابی است که اگر انسان پیرو هوای نفس خویش باشد و به کرامت ذاتی خود توجه نکند خطر سقوط به کمتر از حیوان بودن را همراه خود دارد و دیگر از کرامت اکتسابی بهره‌ای نخواهد برد؛ بنابراین می‌توان گفت آیت‌الله جوادی هم کرامت ذاتی را برای نوع انسان اعم از کافر، ملحد یا مؤمن قائل است.

«خلاصه، گوهر کرامت نفسی در همه انسان‌ها تعبیه شده و مخلوق و عطیه الهی در درون آدمی برای خلافت است و کرامت کسبی که با تقوا و حفظ صبغه خلافت الهی که اقتضا دارد خلیفه تنها مطیع دستور مستخلف عنه باشد، به دست می‌آید، شکوفایی همان کرامت نفسی است. اگر خلافت درست عمل نشود و جانشین مبدأ قدسی به خواست خودکار کند و پیرو هوای نفس خویش باشد، نه فرمان‌بردار مستخلف عنه، خلافت و کرامت را غصب کرده و خطر سقوط به کمتر از حیوان بودن را همراه دارد...» (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۴۹، ص. ۵۰۲)

مقایسه دیدگاه‌ها

الف. وجوه اشتراک: هر دو اندیشمند به روشنی معتقدند که کرامت ذاتی یک موهبت الهی و تکوینی است که در تمام انسان‌ها، فارغ از دین و عقیده، به ودیعه نهاده شده است.

ب. وجوه افتراق و تمایز: دیدگاه علامه و آیت‌الله جوادی در مقوله شمول کرامت ذاتی به همه انسان‌ها، افتراق و تمایز خاصی با یکدیگر ندارند و هر دو با استدلال‌های مشابهی بر این امر تأکید می‌ورزند.

۳. قلمرو کرامت ذاتی انسان از دیدگاه دو مفسر

طبق فرازی از آیه ۷۰ سوره اسراء که می‌فرماید: «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»، این

سوال قابل طرح است که آیا انسان بر همه مخلوقات مادی و غیرمادی حتی فرشتگان برتری تکوینی و ذاتی دارد یا اینکه دایره این برتری تکوینی فقط منحصر به موجودات مادی است؟

نظر علامه طباطبایی

قید «عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا» استدلال می‌کند که این عبارت، برتری انسان را بر بسیاری از مخلوقات ثابت می‌کند، نه بر تمام آن‌ها. از نظر ایشان، این قید به صورت مشخص، فرشتگان را از دایره تفضیل خارج می‌سازد؛ زیرا فرشتگان موجوداتی نوری و غیرمادی هستند و داخل در نظام جاری این عالم نیستند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۳، ص. ۱۵۸).

نکته مهم در دیدگاه علامه، تمایز میان صدر و ذیل آیه است: به اعتقاد ایشان «تکریم» در جمله «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، موهبتی عام و ذاتی برای همه فرزندان آدم است که جنبه مقایسه‌ای ندارد و نفسی است؛ اما «تفضیل» امری نسبی و مقایسه‌ای است. لذا، گرچه کرامت ذاتی فراگیر است، اما تفضیل مطرح شده در این آیه خاص، شامل فرشتگان نمی‌شود (رک: المیزان، ۱۳۹۳، ج. ۱۳، ص. ۱۵۶).

نظر آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی در تحلیل قلمرو کرامت و برتری و تفضیل انسان، ضمن توجه به دیدگاه مفسران، ابعاد جدیدی را در تفسیر واژه «کثیر» در آیه ۷۰ سوره اسراء مطرح می‌کند. ایشان دو احتمال معنایی را برای این واژه بررسی می‌کند: احتمال نخست، «کثیر» به معنای «جمع» که در این صورت، آیه دال بر فضیلت مطلق انسان بر مخلوقات جهان‌آفرینش، از جمله تمامی فرشتگان، خواهد بود. احتمال دوم، «کثیر» به معنای «بسیاری» که در این احتمال، ایشان مسیر خود را از مفسرانی مانند علامه طباطبایی که فرشتگان را صراحتاً مستثنی می‌دانند، جدا می‌سازد. ایشان معتقد است پذیرش این معنا تنها نتیجه می‌دهد که برتری انسان بر برخی مخلوقات اثبات نمی‌شود، اما به هیچ وجه اثبات‌کننده برتری آن مخلوقات بر انسان نیست. به نظر ایشان ثابت نمی‌شود که آن بخش از فرشتگان بر انسان برتری دارند، زیرا احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن همتایی آدمی با آن

فرشتگان مقرب الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج. ۴۹، ص. ۵۰۶ و ۵۰۷).

باتوجه به مجموع دیدگاه‌ها و استناد به آیاتی نظیر تعلیم اسماء (بقره/۳۱)، ایشان وجه اول یعنی برتری جامع انسان به واسطه مقام خلافت الهی را ترجیح داده و قلمرو تفضیل انسان را گسترده‌تر ترسیم می‌کند.

مقایسه دیدگاه‌ها

الف. وجوه اشتراک: محوریت بحث هر دو مفسر برای استنباط گستره کرامت انسان، آیه ۷۰ سوره اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» است که آن را کلیدی‌ترین آیه قرآنی برای اثبات کرامت عام و فراگیر نوع انسان می‌دانند. علاوه بر این، هر دو اندیشمند به تمایز مفهومی میان «تکریم» و «تفضیل» در این آیه اذعان دارند؛ بدین معنا که «تکریم» را موهبتی ذاتی، همگانی و غیر مقایسه‌ای برای همه بنی آدم تلقی می‌کنند، درحالی‌که «تفضیل» را امری نسبی می‌دانند که طرفین مقایسه در آن باید مشخص گردد. همچنین هر دو مفسر در منظومه فکری کلی خود و با استناد به آیات قرآن بر این امر اتفاق نظر دارند که انسان کامل به واسطه اتصال به علم الهی و کسب مقام خلیفه الهی بر فرشتگان مقرب نیز برتری دارد.

ب. وجوه افتراق و تمایز: تفاوت اصلی میان این دو دیدگاه را می‌توان در تفاوت رویکردها و نتیجه‌گیری مشاهده کرد:

۱. در رویکرد علامه طباطبایی به دلیل تفاوت ماهوی میان انسان مادی و فرشته غیر مادی، اساساً مقایسه میان این دو صحیح نیست. استدلال ایشان بر پایه تفاوت ماهوی میان دو موجود است که آن‌ها را در دو نظام وجودی متفاوت قرار می‌دهد و لذا «کثیر» را به معنای استثنای قطعی فرشتگان تفسیر می‌کند.

اما آیت‌الله جوادی آملی بر دلالت منطقی آیه تکیه دارد. از دیدگاه ایشان گزاره «انسان بر بسیاری برتری دارد»، از منظر منطقی اثبات‌کننده برتری فرشتگان بر انسان نیست. این گزاره صرفاً برتری

انسان بر فرشتگان را (در این احتمال) مسکوت می‌گذارد. این ظرافت منطقی که «عدم اثبات یک شیء، مستلزم اثبات نقیض آن نیست»، هسته اصلی نوآوری ایشان در این بحث است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج. ۴۹، ص. ۵۰۶-۵۰۹).

۲. علامه طباطبایی به یک نتیجه قطع در تفسیر «کثیر» می‌رسد و آن اینکه قید «کثیر» به معنای «بسیاری» است و این قید، فرشتگان را به طور مشخص از دایره تفضیل خارج می‌کند. اما آیت‌الله جوادی بحث را به صورت یک تحلیل احتمالی و دو وجهی مطرح می‌کند. ایشان با طرح احتمال اینکه «کثیر» به معنای «جمع» باشد، راه را برای برتری مطلق انسان از خود آیه باز می‌گذارند (احتمالی که آن را ترجیح می‌دهد). حتی در صورت پذیرش معنای «بسیاری»، به جای «استثنای قطعی»، به یک «عدم اثبات» می‌رسد که فضا را برای استناد به سایر آیات جهت اثبات برتری، هموارتر می‌سازد.

۴. مؤلفه‌های اساسی کرامت ذاتی انسان از دیدگاه دو مفسر

در این محور با در نظر گرفتن مباحث انسان‌شناختی علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی که ذیل آیات مختلف بیان کرده‌اند مؤلفه‌های اساسی تشکیل‌دهنده کرامت ذاتی انسان را از نگاه ایشان بیان می‌کنیم. با توجه به مباحثی که از ایشان در دست است در ادامه نظر آن دو را در مسئله، ذیل دو مقوله مؤلفه‌های کرامت جسمانی و روحانی انسان جداگانه مطرح می‌کنیم.

۱.۴. مؤلفه‌های جسمانی کرامت ذاتی انسان

نظر علامه طباطبایی

در آثار علامه طباطبایی مطلب مستقلی با عنوان مؤلفه‌های جسمانی کرامت ذاتی انسان به چشم نمی‌خورد؛ اما از بررسی آثار ایشان و منابع مختلف به دست می‌آید که ایشان مؤلفه‌های جسمانی کرامت ذاتی انسان را در دو امر می‌داند: الف حسن صورت‌گری ب. تسویه، تعدیل و ترکیب جسم انسان.

الف. حسن صورتگری

توجه به ساختمان جسمانی انسان و قابلیت‌های آن، نشان‌دهنده لطف و کرامت خاص الهی در خلقت بدیع آدمی است. قرآن این حقیقت را یادآوری کرده که انسان با صورت‌ها و اشکالی ممتاز و متفاوت از دیگر مخلوقات آفریده شده است. برخی آیات به اصل تصویرگری انسان در مرحله جنینی اشاره دارند: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (آل عمران/۶) که ناظر به اعطای ظرفیت‌های جسمانی است.

در دو آیه دیگر، این تصویرگری به «احسن بودن» متصف شده است: «صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ» (غافر/۶۴؛ تغابن/۳). تعبیر «فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ» امتیاز انسان را در ساحت جسمانی نشان می‌دهد؛ زیرا این تعبیر اختصاصاً برای خلقت انسان به کاررفته است. «فا» در ابتدای جمله حاکی از آن است که جمله، مفسر جمله قبل است. حسن صورت عبارت است از تناسب تجهیزات جسمانی انسان نسبت به یکدیگر، و تناسب مجموع آن‌ها با غرض آفرینش انسان (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۹، ص. ۲۹۶). بنابراین، اشاره به تصویرگری نیکوی اختصاصی انسان، نوعی تکریم او در ساحت جسمانی را تأیید می‌کند.

ب. تسویه، تعدیل و ترکیب جسم انسان

قرآن در برخی آیات، بر امتیازات جسمانی انسان با تعابیر سه‌گانه «تسویه، تعدیل و ترکیب» تأکید می‌کند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّفَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ * الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ * فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَزَّكَ» (انفطار/ ۶-۸). آیه در مقام توییخ، انسان را به این قابلیت‌ها توجه می‌دهد. خدا انسان را آفرید، اعضا و قوایش را تسویه کرد، سپس تعدیل نمود و در هر شکلی که خواست ترکیب کرد؛ که این مراحل، به کرامت تکوینی او مرتبط است.

علامه طباطبایی معتقد است مقصود از عدل و ترکیب آن است که خداوند به مقتضای حکمت،

انسان‌ها را از نر و ماده، سفید و سیاه، بلند و کوتاه و... مرکب کرد و اعضایی مانند دو دست، دو پا، دو چشم و استوای قامت را در او ترکیب نمود، که همه از مصادیق عدل در ترکیب اجزا هستند (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج. ۲۰، ص. ۲۲۵).

آیه ۴ سوره تین: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»، موبد این مسئله است. تقویم به معنای مستقیم و معتدل کردن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج. ۵، ص. ۴۳) و احسن تقویم به معنای برخوردارکردن انسان از اختصاصات اوست؛ مانند بهره‌مندی از عقل و فهم در ساحت روحانی، و راست قامتی و اعتدال در اعضای جسمانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶).

علامه طباطبائی ذیل آیه ۲۹ حجر نیز بیان می‌کند که تسویه به معنی تعدیل اعضای بدن است. دستور به سجده پس از بیان تسویه و دمیدن روح، بیانگر آن است که هم خلقت جسمانی و هم انتساب روح انسان به خداوند (اضافه روح به ضمیر متکلم در «روحی») بر کرامت و شرافت ذاتی آدمی دلالت دارند (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج. ۱۲، ص. ۱۵۴). لذا، ذکر این مراحل از آفرینش، هم برای تذکر و پرهیز از غرور، و هم برای توجه‌دادن انسان به تکریمش در بعد جسمانی است.

دیدگاه آیت‌الله جوادی

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است کرامت انسان به بُعد روحانی او اختصاص دارد و بُعد جسمانی به‌خودی‌خود نسبت به سایر موجودات فضیلتی ندارد. ایشان ذیل آیه ۷۰ اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا مرجع کرامت، جسم یا روح است؟ وی بیان می‌کند که انتساب کرامت به بخش طبیعی انسان توجیه علمی ندارد؛ زیرا حیوان‌هایی زیباتر و ظریف‌تر از انسان (مانند طاووس) فراوان‌اند، و خط سیر تطور آفرینش بدن در بسیاری حیوانات مشابه انسان است. از این رو، کرامت انسان به روح او بازمی‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص. ۷۹ و ۸۰).

البته ایشان با این استدلال، کرامت را از «مجموعه وجودی انسان» (شامل جسم و روح) نفی

نمی‌کنند، بلکه تأکید دارند که اگر منشأ کرامت را صرفاً در بُعد جسمانی جستجو کنیم، به نتیجه قابل دفاعی نمی‌رسیم. در واقع، این روح الهی است که به‌عنوان حقیقت برتر، به کل وجود انسان، شرافت و کرامت می‌بخشد.

یکی از ادله ایشان، مدلول آیه ۱۴ سوره مؤمنون است: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً... ثُمَّ أَنْشَأْنَا خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». ایشان می‌فرماید این آفرین گفتن (فَتَبَارَكَ اللَّهُ) فقط به جهت افاضه روح الهی و «انشاء خلق آخر» است؛ وگرنه در تطورات مادی جنین (نطفه، علقه، مضغه) حیوانات دیگر با انسان شریک‌اند. لذا مبارک بودن خلقت نه به تطورات مادی، بلکه به مرحله دمیده شدن روح و شکل‌گیری مقام انسانیت مرتبط است (جوادی آملی، ۱۳۶۶، ص. ۱۸).

ایشان در تفسیر آیات ۴ تا ۶ سوره تین «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ...» نیز می‌گوید: «احسن تقویم» بودن انسان با ایمان و عمل صالح پیوند جدی دارد، نه با ویژگی‌های ظاهری و طبیعی او. خداوند در مرحله آفرینش طبیعت خود را به این وصف نمی‌ستاید، اما پس از بیان وجود فراملکی انسان «ثُمَّ أَنْشَأْنَا خَلْقًا آخَرَ»، می‌فرماید: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». بنابراین، احسن تقویم بودن و سجده فرشتگان مربوط به جان آدمی است، و انسانی مصداق احسن تقویم است که فطرت الهی خویش را حفظ کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج. ۱۳، ص. ۹۷).

با توجه به استنادات فوق، آیت‌الله جوادی آملی کرامت ذاتی انسان را حقیقتی یکپارچه می‌داند که منشأ اصلی و وجه تمایز آن، روح الهی و بُعد ماورایی انسان است. بدن به‌خودی‌خود منشأ این کرامت ویژه نیست؛ اما وقتی با روح الهی متحد شده و «خلق آخر» را تشکیل می‌دهد، کل این مجموعه صاحب کرامت ذاتی می‌شود. در این دیدگاه، روح، منشأ کرامتی است که بر کل وجود انسان (جسم و جان) ساری و جاری است. بنابراین، مؤلفه‌های کرامت ذاتی در نگاه ایشان، اموری روحانی و عقلانی هستند که کل حقیقت انسانی را شرافتمند ساخته‌اند.

مقایسه دیدگاه‌ها

الف. وجوه اشتراک: در بحث مؤلفه‌های اساسی کرامت ذاتی انسان هر دو اندیشمند مطالب مستقلی در باب مؤلفه‌های اساسی کرامت ذاتی انسان نداشتند و از بین سخنان آنها در تفاسیر و کتب مختلف نظرشان در باره مؤلفه‌های اساسی برداشت شده است. باین‌وجود به نظر می‌رسد نقطه اشتراک علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی اولاً در دویبعدی دانستن انسان است که انسان را مشتمل بر بعد جسمانی و روحانی می‌دانند. ثانیاً انتساب کرامت را به مجموع ابعاد روحانی و جسمانی قبول دارند.

ب. وجوه افتراق و تمایز: تفاوت‌های کلیدی و تعیین‌کننده در نگاه این دو مفسر، بیشتر از شباهت‌هایشان به چشم می‌آید و نقطه اصلی تمایز دیدگاه‌ها را شکل می‌دهد:

علامه طباطبائی در تفسیر خود از ظاهر آیاتی نظیر «فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ»، «فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ»، و «أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» مستقیماً این معنا را استنباط می‌کند که ساختار جسمانی انسان (مانند استواری قامت، صورت نیکو و تعدیل اعضا) فی‌نفسه بخشی از تکریم الهی است. برای علامه، خود این «صورت نیکو» یک مؤلفه مستقل در کرامت‌مندی وجود انسان است. اما آیت‌الله جوادی ویژگی‌های جسمانی انسان را، وجه تمایز او در کرامت‌مندی نمی‌داند. ایشان با ارائه مثال طاووس، استدلال می‌کند که چون زیبایی ظاهری یا پیچیدگی خلقت در حیوانات دیگر نیز (و حتی به شکلی برتر) یافت می‌شود، پس ویژگی‌های جسمانی نمی‌تواند منشأ «کرامت ویژه» انسان باشد.

در نگاه علامه طباطبائی جسم و مؤلفه‌های جسمانی جزء سازنده کرامت ذاتی هستند؛ یعنی کرامت انسان، برابندی از کمالات جسمانی و کمالات روحانی است؛ اما آیت‌الله جوادی جسم را محل تجلی و ظرف کرامتی می‌داند که از روح نشأت می‌گیرد؛ اما خود جسم به‌تنهایی منشأ آن نیست. شرافت بدن امری بالعرض و به واسطه روح است، نه بالذات.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» این آیه را ناظر به اعتدال در هر دو ساحت جسم و روح می‌داند و برای بعد جسمانی در کرامت وجودی دخالت قائل است. اما آیت‌الله جوادی با توجه به سیاق آیات بعدی (که ایمان و عمل صالح را استثنا می‌کند)، «أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» را عمدتاً به «جان آدمی» و فطرت الهی او مرتبط می‌داند که با ایمان حفظ می‌شود و آن را از ویژگی‌های ظاهری و طبیعی جدا می‌کند.

۲.۴. مؤلفه‌های روحانی کرامت ذاتی انسان

اگرچه در نگاه نخست، مؤلفه‌های روحانی کرامت در اندیشه هر دو مفسر تحت عناوین مشهوری چون عقل، فطرت و اختیار دسته‌بندی می‌شوند، اما تحلیل نظر هر دو اندیشمند درباره جایگاه این قوی یا اوصاف انسان نشان‌دهنده تفاوت در مبانی انسان‌شناختی آنهاست که در ادامه به تفکیک بررسی می‌شود.

دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۴ سوره مومنون به این نکته اشاره می‌کند که تغییر سیاق در آیه از عبارت «خلقنا» به عبارت «انشأناه» حاکی از آن است که آفرینش جدید، حقیقتی دیگر است غیر از آنچه در مراحل پیشین بود در این مرحله او موجودی شده که زنده و قادر و عالم است؛ به گونه‌ای که در ذات و خواص و صفات با سابقش تفاوت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۵، ص. ۲۰-۲۱). پس از اتمام این مرحله است که خداوند خود را به‌عنوان بهترین آفرینندگان تحسین می‌کند. لازمه این تحسین آن است که این مخلوق نیز احسن مخلوقات از حیث تکوین باشد؛ بنابراین باید از مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان در بعد روحانی سخن گفت. از مطالب علامه ذیل آیات مختلف می‌توان این‌گونه برداشت کرد که ایشان سه مؤلفه اساسی کرامت ذاتی انسان در بعد روحانی را برخوردار از قوه تعقل، برخوردار از فطرت و برخوردار از اختیار می‌داند.

الف. برخورداری از قوه تعقل و تفکر

انسان علاوه بر برخورداری از بعد جسمانی و رشد و تغذیه و حرکت و حساسیت، دارای قوه تفکر و تعقل و استنتاج است که دیگر آفریده‌های عالم طبیعت از آن بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند. در برخی آیات از جمله آیه ۹ سوره سجده و نیز مؤمنون ۷۸ و ملک ۲۳ خداوند پس از دمیده‌شدن روح در جسم آدمی با اعطای نعمت شنیدن و دیدن (ادراک‌های حسی) و ادراک به وسیله فؤاد بر او منت نهاده است.

علامه طباطبائی اعتقاد دارد وجود قوه تعقل در انسان را از مؤلفه‌های اساسی کرامت ذاتی او دانسته و معتقد است که تکریم انسان به عقلی است که اختصاصی او بوده و به هیچ موجود دیگری داده نشده است و انسان با آن می‌تواند خیر را از شر نافع را از مضر و نیک را از بد تمیز دهد. موهبت‌های دیگر انسان از قبیل نطق و خط و امثال آن نیز زمانی محقق می‌شود که عقل باشد. (علامه طباطبائی، ۱۳۹۳، ج. ۱۳، ص. ۱۵۶).

ب. برخورداری از فطرت

علامه طباطبائی در ذیل آیه فطرت: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم/۳۰)؛ می‌گوید:

اژه فطرت به آفرینش ویژه انسان اطلاق می‌شود. این واژه در قرآن کریم تنها یک‌بار در آیه یاد شده به معنای نوع ویژه آفرینش انسان به‌کاررفته است. انسان دو حیثیت دارد؛ حیث حیوانی و حیث ویژه انسانی اما فطرت حیثی از حقیقت ذاتی انسان است که در رویارویی انسانی‌اش با حیث دیگر به آن توجه می‌شود. پس در تعلیمات اسلامی ارزش‌های انسانی ریشه در نهاد و فطرت انسان دارند. به تعبیر دیگر ملاک‌های انسانی و آنچه به نام انسانیت شناخته می‌شود از ذات انسان می‌جوشد (علامه طباطبائی، ۱۳۹۳، ج. ۱۶، ص. ۱۷۷-۱۸۰). پس انسان موجودی است که بذر ملاک‌های انسانی در عمق وجود او کاشته شده یعنی اصول تفکر در فطرت او نهادینه شده است.

وی همچنین می‌گوید که خداوند به انسان کرامت عنایت کرده و او را بر سایر مخلوقات برتری بخشیده است. این کرامت ذاتی علاوه بر خلقت ممتاز انسانی به علت ویژگی‌های خاصی است که خداوند در فطرت انسان به ودیعت نهاده و استعداد پیمودن مراتب کمال در همه ابعاد و رسیدن به لقاءالله را به وی عنایت کرده است. هر انسانی که در مسیر شکوفایی فطرت قدم بردارد، قدر این کرامت ذاتی را دانسته است و آن را شکوفاتر می‌کند (علامه طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۳، ص. ۱۶۵).

ج. برخورداری از اختیار

علامه طباطبایی در بحث اختیار، به آیه «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف/ ۲۹) استناد می‌کند. ایشان معتقد است حتی خداوند ایمان را بر انسان تحمیل نمی‌کند تا انسان با تشخیص عقل و از روی اختیار آن را برگزیند. از آنجاکه هیچ اکراهی در دین نیست، اجبار در پذیرش دین کاملاً نفی می‌شود و این عدم اجبار، چیزی جز احترام به کرامت ذاتی انسانی و پاسداری از آزادی و انتخاب نیست (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۳، ص. ۳۰۳-۳۰۶).

همچنین، کمال انسانی و استعدادهای فطری، در گرو اعمال آگاهانه و تصمیم‌های اختیاری انسان است. لذا انسان مسئول تصمیم‌گیری‌های خود برای رسیدن به کمال و شکوفایی کرامت ذاتی خویش است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳، ج. ۱۶، ص. ۳۴۸-۳۵۰).

باتوجه به بررسی‌ها، علامه طباطبایی مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان را مربوط به هر دو بعد جسمانی و روحانی می‌داند و این دو بعد مجموعاً کرامت ذاتی انسان را تشکیل می‌دهند.

دیدگاه آیت‌الله جوادی

به اعتقاد ایشان مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان منحصر در ساحت روحانی اوست، هر چند مطلب و محتوای ویژه‌ای در بیان مؤلفه‌های روحانی کرامت ذاتی از دیدگاه ایشان وجود ندارد؛ اما از مجموع بیانات در کتب مختلف تفسیری او می‌توان به سه مؤلفه در این باره اشاره کرد: الف. برخورداری از

قوه تعقل ب. برخورداری از فطرت ج. برخورداری از اختیار.

الف. برخورداری از قوه تعقل:

آیت‌الله جوادی در ذیل آیه ۹ سوره سجده می‌گوید که انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که هنگام تولد از علوم تحصیلی برخوردار نیست و بدیهیات حسی یعنی محسوسات را نمی‌داند به همین خاطر برای بهره‌مندی از علوم تحصیلی خدای سبحان ابزار لازم را در اختیار او نهاده، هم ابزار ادراک‌های حسی، یعنی بینایی و شنوایی؛ هم ابزار ادراک فکری یعنی فواد (قلب) را به وی ارزانی داشته تا هم امور جزئی و خیالی را ادراک کند و هم امور کلی و عقلی را: «وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ». انسان از محاری چشم و گوش یعنی مطالعه کتاب‌های علمی یا شنیدن کلمات آن‌ها، مطالب علمی را به فواد می‌سپارد و عالم می‌شود (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج. ۶۵، ص. ۳۳۶).

ب. برخورداری از فطرت:

برخورداری از فطرت خاص انسانی از دیگر مؤلفه‌های ساحت روحانی انسان در تکوین است؛ چون امور فطری آمیخته با نوع آفرینش انسان است؛ در نتیجه همگانی غیرقابل اکتساب جاودانه و تبدیل‌ناپذیرند. این امور که نشانه میل به امور متعالی است به بعد روحانی وجود انسان مرتبط می‌شود و خودبخشی از کرامت ذاتی انسان محسوب می‌گردد؛ بنابراین پشتوانه فطرت انسان همان روح الهی اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۲-۲۳).

ایشان در ذیل آیه ۳۰ سوره روم انسان را از آن روی که با فطرت دینی و خدایی آفریده شده حی متاله تعریف کرده‌اند و فطرت را حد وجودی انسان نه حد ماهوی او می‌دانند؛ بنابراین طبق آیه شریفه آدمی با این سرمایه تکوینی پا به عرصه هستی گذاشته است و برخوردار از این سرمایه بخشی از کرامت ذاتی اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۷).

وی در ادامه می‌گوید که انسان با سرمایه‌ای درونی آفریده شده است و از این جهت آدمی همانند دریاست که سرمایه بشر از درون اوست، نه از بیرون؛ بنابراین کسی از بیرون به انسان

کمال‌خواهی و حقیقت‌طلبی را تعلیم نداده؛ بلکه او در درون خود این سرمایه عظیم را داراست (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج. ۶۵، ص. ۵۱۵).

از نظر او این فطرت خدادادی که مشترک میان همه انسان‌هاست، سه ویژگی اساسی دارد: اول خداشناس و خدا طلب است، یعنی خدا و دین توحیدی را می‌خواهد و بس. دوم خدا این فطرت را در نهان آدمیان به ودیعت گذاشته است، یعنی اکتسابی نیست، بلکه مقتضای آفرینش آدمی است و هیچ انسان بی فطرت الهی آفریده نشده و نمی‌شود و سوم این فطرت خدادادی از هر گونه تغییر و تبدیل مصون است، هر چند شدت و ضعف می‌پذیرد (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج. ۶۵، ص. ۵۲۶).

ج. برخورداری از اختیار

آیت‌الله جوادی در ذیل آیه ۲۹ سوره کهف «مَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» می‌گوید که خداوند صراط حق و صراط مستقیم را به انسان می‌نمایاند و کسی را به قبول آن واداری نمی‌کند، و هر کسی در پذیرش کفر یا ایمان در نظام تکوین آزاد است. آیات دیگری مانند آیه ۳ سوره انسان: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» و آیه ۲۵۶ سوره بقره: « وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ » بر اینکه انسان تکویناً در انتخاب راه خوب و بد آزاد است دلالت دارند.

ایشان معتقد است که آزادی از نعمت‌های الهی به انسان است و کمال آدمی در انتخاب آزاده راه حق و باطل و کفر و ایمان بر اساس اندیشه و انگیزه است نه بر پایه جبر، پس انسان فطرتاً آزاد است نه واداشته (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج. ۵۱، ص. ۵۱۷-۵۱۵).

مقایسه دیدگاه‌ها

الف. وجوه اشتراک: به نظر می‌رسد نقطه اشتراک علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی اولاً هر دو بعدی روحانی انسان را بدون هیچ تردیدی در کرامت ذاتی او دخیل می‌دانند. ثانیاً هر دو قائل هستند که مؤلفه‌های روحانی کرامت ذاتی انسان عبارت‌اند از برخورداری از قوه تعقل، برخورداری

از اختیار و برخورداری از فطرت.

ب. **وجوه افتراق و تمایز:** در بحث مؤلفه‌های کرامت ذاتی، هر دو مفسر بر عناصری چون عقل، فطرت و اختیار تأکید دارند؛ باین حال، اختلاف اصلی در نحوه ارتباط این عناصر با کرامت انسان است.

در نگاه علامه طباطبائی، کرامت ذاتی برآمده از کلّ ساختار تکوینی انسان است؛ ساختاری واحد که ساحت جسمانی و روحانی را در پیوندی منسجم دربرمی‌گیرد. ازاین‌رو، تعقل، اختیار و گرایش فطری به کمال، صرفاً پیامدهای کرامت نیستند، بلکه در متن همان ساختار آفرینش حضور دارند و در تحقق تکوینی کرامت ذاتی نقش ایفا می‌کنند. به تعبیر دقیق‌تر، کرامت در نگرش علامه نتیجه «نظام احسن خلقت» انسان است؛ نظامی که این مؤلفه‌ها در درون آن جای دارند و از ارکان هویت انسانی به شمار می‌آیند. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۲۰، ص. ۵۴۰)

در مقابل، آیت‌الله جوادی آملی، هرچند وجود این مؤلفه‌ها را انکار نمی‌کند، اما تحلیل ایشان جهت دیگری دارد. در تلقی وی، عقل، فطرت و اختیار منشأ کرامت نیستند، بلکه شئون و تجلیات حقیقتی برتر انسان اند؛ یعنی همان روح الهی که هویت ملکوتی انسان را شکل می‌دهد. کرامت، پیش از آن‌که به ترکیب ساختاری انسان مربوط باشد، به حقیقت روحانی او بازمی‌گردد. ازاین‌رو، بدن و ویژگی‌های مادی انسان در این تحلیل، شأن مظهریت دارند؛ ظرف‌اند، نه منشأ و نه جزء مقوم کرامت. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۴۹، ص. ۴۹۴-۴۹۷)

ارزیابی و داوری دیدگاه‌ها

پس از بیان تفصیلی دیدگاه‌های هر دو اندیشمند و بررسی تطبیقی آنها در باب کرامت ذاتی انسان و مؤلفه‌های آن، در این محور اجمالاً نخست به ارزیابی دیدگاه دو اندیشمند در مسئله و سپس به داوری نهایی در باره اعتبار آنها و امکان یا عدم امکان ترجیح یک نظر می‌پردازیم.

ارزیابی دیدگاه‌ها

تحلیل تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی در باب مؤلفه‌های کرامت ذاتی، بیش از آنکه تقابل دو نظریه متضاد باشد، نمایانگر تفاوت آنها در سطح تحلیل و روش استنباط تفسیری آنها است. در این قسمت تلاش داریم با درک همین تفاوت به ارزیابی منصفانه این دیدگاه‌ها بپردازیم.

ارزیابی دیدگاه علامه طباطبایی

قوت اصلی دیدگاه علامه طباطبایی در جامعیت تفسیری و پابندی به ظواهر و دلالت آیات از حیث روش است. ایشان با استناد به بسیاری از آیات از جمله «أَحْسَنَ صُورِكُمْ» تا «فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» تصویری چندبعدی از تکریم الهی ارائه می‌دهد که هم ساحت جسمانی و هم ساحت روحانی را در برمی‌گیرد. این رویکرد سبب ملموس‌تر شدن فهم کرامت برای مخاطب عام قرآن می‌شود و از انتزاعی شدن درک آن را تنازل می‌دهد.

با این حال، این دیدگاه در تبیین علت ریشه‌ای کرامت، با این پرسش تحلیلی مواجه می‌شود که آیا مؤلفه‌های جسمانی، وجه تمایز انحصاری انسان برای کرامت ذاتی باشند؟ به بیان روشن‌تر، اگر کرامت انسان ناشی از «حسن صورت» اوست، آیا این ویژگی به‌تنهایی و به‌صورت منحصربه‌فرد می‌تواند جایگاه برتر وجودی انسان را در عالم هستی تضمین کند؟ درحالی‌که قابلیت‌ها و توانایی‌های جسمی یک امر نسبی است و در سایر موجودات نیز به‌وفور این قابلیت‌ها در مراتب قوی‌تر و بالاتری از انسان یافت می‌شود؟

ارزیابی دیدگاه آیت‌الله جوادی

ایشان بحث کرامت ذاتی انسان را از سطح توصیف «مظاهر کرامت» به سطح تبیین «منشأ کرامت» ارتقا دادند. استدلال ایشان مبنی بر اینکه «اثبات شیء، نفی ما عدا نمی‌کند» (در بحث برتری

تکوینی انسان بر فرشتگان) و تفکیک میان «جسم» به‌عنوان ظرف و «روح» به‌عنوان منشأ شرافت، از دقت بالایی برخوردار است و به لحاظ فلسفی، بنیان مستحکم‌تری برای کرامت ذاتی فراهم می‌آورد. اما رویکرد ایشان ممکن است در نگاه اول با برخی از ظواهر قرآنی که بر تکریم جسمانی تأکید دارند (فَأَحْسَنَ صُورَتُمْ) ناهمخوان به نظر برسد. اگرچه ایشان منکر کرامت «مجموعه جسم و روح انسان» نیست، اما تمرکز حداکثری بر روح به‌عنوان منشأ انحصاری، نیازمند ارائه یک تبیین دقیق از نحوه «سریانی» است که این شرافت را از روح به جسم منتقل می‌کند تا جایگاه آن آیات ظاهر در تکریم بعد جسمانی نیز در منظومه فکری ایشان به‌روشنی مشخص گردد.

داوری نهایی در باره دیدگاه‌ها

شاید نتوان به طور قاطع بین دیدگاه تفسیری این دو اندیشمند در مسئله موردپژوهش قضاوت کرد؛ بلکه این دو نظر را باید به‌گونه‌ای مکمل هم شمرد. نظر علامه طباطبایی در پابندی به ظواهر و دلالت آیات از حیث روش تفسیری و نیز قلمدادکردن مجموع مؤلفه‌های جسمانی و روحانی به‌عنوان عامل کرامت‌مندی ذاتی انسان ممتازتر است و کار آیت‌الله جوادی آملی در تحلیل منشأ و هسته اصلی و وجه تمایز انحصاری کرامت ذاتی و تکوینی انسان یعنی روح الهی آدمی و تبیین و بیان ارتباط آن با ساحت جسمانی ممتاز است.

این کرامت منشأ گرفته از روح، در مظاهر و تجلیات خود، کل وجود انسان را در بر می‌گیرد. نخستین و بارزترین مظهر این شرافت، در ساحت جسمانی او پدیدار می‌شود. به بیان دیگر، «احسن تقویم» و «حسن صورت» که علامه طباطبایی بر آن تأکید دارند، معلول و تجلی همان کرامت روحانی هستند، نه علتی هم‌عرض با آن. خداوند برای آن روح متعالی، ظرف و مرکبی متناسب با آن (بدنی با استوارترین ساختار و نیکوترین صورت) آفریده است؛ بنابراین، تکریم جسم، تکریم بالتبع و به واسطه شرافت روح است، نه کرامتی مستقل و بالذات.

بنابراین، کرامت ذاتی انسان نه منحصر در روح است و نه محصول جمع جبری دو جزء مستقل

(روح و جسم). بلکه حقیقتی واحد و ساری است که از روح الهی آدمی نشأت گرفته و در تمام ابعاد وجودی انسان، از جمله ساختار ممتاز جسمانی او، تجلی یافته است. ظاهراً این دیدگاه، تلاش می‌کند عمق تحلیلی - فلسفی را با پابندی به شیوه تفسیری در خود جمع کند.

نتیجه‌گیری

۱. هر دو مفسر، آیه ۷۰ سوره اسراء («وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ») را دلیل صریح بر وجود «کرامت ذاتی» و تکوینی برای نوع انسان می‌دانند. این کرامت، موهبتی الهی است که به‌صرف انسان بودن، به همه افراد بشر، فارغ از دین، عقیده و نژاد تعلق گرفته و شامل مؤمن و کافر می‌شود. هر دو اندیشمند با تفکیک میان «کرامت ذاتی» (همگانی وابسته به خلقت) و «کرامت اکتسابی» (وابسته به ایمان و عمل)، شبهه اختصاص کرامت به مؤمنان را رد می‌کنند.

۲. نقطه تمایز دو دیدگاه در تفسیر قید «عَلَى كَثِيرٍ» در آیه ۷۰ سوره اسراء آشکار می‌شود. علامه طباطبایی با تأکید بر تفاوت ماهوی انسان (مادی) و فرشته (غیرمادی)، مقایسه این دو را در چارچوب آیه صحیح ندانسته و معتقد است که این قید، فرشتگان را به طور قطعی از دایره تفضیل خارج می‌کند و آیت‌الله جوادی آملی بر اساس تحلیل منطقی، استدلال می‌کند که حتی اگر «کثیر» به معنای «بسیاری» باشد، صرفاً «عدم اثبات» برتری انسان بر آن عده قلیل فرشتگان را نتیجه می‌دهد، نه «اثبات برتری» فرشتگان بر انسان. ایشان با ترجیح احتمال به معنای «جمع» بودن «کثیر»، قلمرو تفضیل انسان را گسترده‌تر می‌دانند.

۳. اختلاف نظر اصلی دو اندیشمند در تعیین منشأ و مؤلفه‌های سازنده کرامت ذاتی است: علامه طباطبایی با پابندی به ظواهر آیاتی چون «فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ» و «فَسَوَّكَ فَعَدَلَكَّ»، معتقد است که کرامت ذاتی محصول مجموعه‌ای از مؤلفه‌های جسمانی (مانند حسن صورت و استواری قامت) و روحانی (عقل، فطرت و اختیار) است. در نگاه ایشان، بعد جسمانی نیز به‌صورت مستقل

و بالذات، جزء سازنده کرامت است.

آیت‌الله جوادی آملی با طرح پرسش از «وجه تمایز انحصاری»، معتقد است که مؤلفه‌های جسمانی نمی‌توانند منشأ کرامت ویژه انسان باشند، زیرا در حیوانات دیگر نیز نظیر دارند. از این رو، ایشان روح الهی و «خلق آخر» را منشأ انحصاری کرامت ذاتی می‌داند و مؤلفه‌هایی چون عقل، فطرت و اختیار را تجلیات همین بعد روحانی به شمار می‌آورند. در این دیدگاه، جسم، ظرف و محل تجلی این کرامت است، نه منشأ آن.

۴. پژوهش نشان داد که دو دیدگاه، متضاد نبوده؛ بلکه مکمل یکدیگر در فهم مراتب کرامت هستند. این کرامت روحانی در تمام ابعاد وجودی انسان تجلی می‌یابد. مظاهر بارز این تجلی، همان مؤلفه‌های جسمانی (احسن تقویم) و روحانی (عقل و اختیار) هستند که علامه طباطبائی بر آن‌ها تأکید دارند.

۵. از دیدگاه آیت‌الله جوادی کرامت ذاتی انسان، حقیقتی واحد و ساری است که از روح الهی نشأت گرفته و در کالبد جسمانی و قوای روحانی او متبلور شده است. این دیدگاه، هم عمق تحلیلی دیدگاه آیت‌الله جوادی و هم جامعیت تفسیری دیدگاه علامه طباطبائی را در خود جمع می‌کند.

منابع

- اسماعیلی، محسن، سیفی، (۱۳۹۷). محمد مهدی، مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان در اندیشه علامه طباطبایی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۴.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۶)، کرامت در قرآن، ج اول، مرکز نشر فرهنگی رجاء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، صورت و سیرت انسان در قرآن، چاپ دوم، مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، تفسیر تسنیم، ج اول، ج ۱۲، قم، مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷)، تفسیر تسنیم، ج اول، ج ۱۳، قم، مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸)، تفسیر تسنیم، ج اول، ج ۴۹، قم، مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۹)، تفسیر تسنیم، ج اول، ج ۵۱، قم، مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۴۰۱)، تفسیر تسنیم، ج اول، ج ۶۵، قم، مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۴۰۳)، تفسیر تسنیم، ج اول، ج ۸۰، قم، مرکز نشر اسراء
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، محقق عبدالغفور احمد، بیروت، دار العلم للملایین.
- راغب اصفهانی، (۱۳۷۴)، حسین ابن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالقلم
- سبحانی‌نیا، محمد، (۱۳۹۴)، کرامت اقتضایی انسان در بوته نقد، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، سال ۶، شماره ۲۲
- سلیمان‌پور، داوود، مهریزی، سید محمد، (۱۳۹۸)، کرامت ذاتی انسان در قرآن و چالش‌های فراروی آن، دوفصلنامه علمی و مطالعات قرآن و حدیث، سال سیزدهم، شماره اول
- صلیبا، جمیل، (۱۴۱۴ق)، المعجم الکرسفی، بیروت، الشركة العالمية للكتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی
- غضنفری، علی؛ فاتحی زاده، مریم؛ داوودی، لیلا سادات؛ (۱۴۰۳)، بررسی تطبیقی کرامت نفس از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و ناتانیل براندن، فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی، سال هفتم، شماره چهارم
- قاضی‌زاده، کاظم، ملکی، یدالله، (۱۳۹۱)، مراتب معنوی و کرامت ذاتی انسان از ره‌آورد قرآن، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، سال دوم، شماره ۶

- قنبری، مرضیه، (۱۳۹۶)، مبانی کرامت ذاتی انسان از منظر علامه طباطبائی، فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۲۲، ص ۴۹-۸۲
- مشایخی، محمدمهدی، آریان، حمید، (۱۳۹۸)، کرامت ذاتی انسان در قرآن، مؤلفه‌های و لوازم وجودی، قرآن شناخت، سال دوازدهم، شماره دوم
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۸)، معارف قرآن، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵)، التحقیق فی کلمات القرآن، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، الطبعة الاولى
- ناگهی حسین و آریان حمید، (۱۳۹۸)، نگرش اومانیسیم به حقوق طبیعی انسان (حق حیات و آزادی) و ارزیابی آن بر اساس بینش اسلامی در پرتو اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی، معرفت، سال سی و سوم، شماره چهارم، پیاپی ۳۱۹
- نصرت پناه، محمدصادق؛ سیفی، محمدمهدی؛ (۱۳۹۸)، کرامت ذاتی انسان به مثابه بنیان آزادی باتکیه بر آرای علامه طباطبائی، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۹، شماره ۳
- نقیبی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، مؤلفه‌های کرامت انسان از منظر قرآن کریم، فصلنامه سراج منیر، شماره ۸، سال دوم
- یدالله‌پور، بهروز، (۱۳۹۱)، کرات انسان در قرآن (ماهیت، مبانی و موانع) قم، نشر ادیان.